

# دیوان نکته‌سنجی

کاتب - ادات اشکوری



نشر مؤرخان

تهران - ۱۳۹۵

سرشناسه : سادات اشکوری، کاظم، ۱۳۱۸ -  
عنوان و پدیدآور : دیوان نکته‌سنجی / کاظم سادات اشکوری.  
مشخصات نشر : تهران: هزار کرمان، ۱۳۹۵.  
مشخصات ظاهری : ۱۴۷ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.  
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۰۰-۱۶-۹

وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا  
یادداشت : ص.ع. به انگلیسی: Kazem-e Sadat-e Eshkevari.  
The Book of Witticism

یادداشت : کتابنامه.  
یادداشت : نمایه.  
موضوع : شوخی‌ها و بذله‌گویی‌ها.  
موضوع : Wit and Humor  
رده‌بندی نشریه : ۱۳۹۵ ۲۵۹ س/۶۱۵۱ PN  
رده‌بندی دی‌سی : ۸۰۸/۸۷  
شمار کتابخانه ملی : ۴۲۷۳۵۵۱

نقل مطالب این کتاب (برای معرفی و نقد کتاب)، اقتباس، چکیده‌نویسی، خواندن در رادیو و تلویزیون و اینترنت و هرگونه استفاده دیگر، بی‌اجازه کتبی از نویسنده یا ناشر ممنوع است.

نشر هزار کرمان: تهران، خیابان کارگر جنوبی، پایین‌تر از میدان  
پاستور، خیابان دانشگاه جنگ، ۹



نشر هزار کرمان تلفن: ۶۶۹۲۳۹۴۶ و ۷۳۳۲۲۶۶۹۱

پست الکترونیک: Email: nashrhazarkerman@yahoo.com

www.hazarekerman.ir

## دیوان نکته‌سنجی

نوشته: کاظم سادات اشکوری  
طرح روی جلد: قباد شیوا  
نسخه‌پردازی: عقاب علی‌احمدی  
طراح نشانه نشر هزار: محمد جهانی مقدم  
حروف‌چینی: نسرين خليلی؛ صفحه‌بندی: علی‌اکبر حکم‌آبادی  
چاپ اول: ۱۳۹۵  
شمارگان: ۱۶۵۰ نسخه  
لیتوگرافی: کارا؛ چاپ: غزال؛ صحافی: مینو

ISBN: 978-600-5700-16-9

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۰۰-۱۶-۹

## فهرست

|     |                              |
|-----|------------------------------|
| ۵   | پیش‌گفتار                    |
| ۹   | بخش اول                      |
| ۷۱  | بخش دوم                      |
| ۱۳۵ | مآخذ بخش دوم                 |
| ۱۳۹ | کتاب‌شناسی کاظم سادات‌اشکوری |
| ۱۴۱ | نمایه                        |

## بین گفتار

از سال‌های جوانی به نکته‌ها و سخن‌های دلنشین و همین‌طور مثل‌ها و پیدایش آن‌ها، تک‌بیت‌ها، حکایه‌ها و ... بسیار علاقه داشتم؛ به گونه‌ای که دفترچه‌ای از آن‌ها فراهم کرده بودم. همراه با شرح حال مختصر نویسندگان و موسیقی‌دانان و نقاشان، که آن دفترچه را نیز، شاید به دلیل شکل و شمایل آن، دوست می‌داشتم و همیشه، به اشکور هم که می‌رفتم، در گشتن و گذارهای تابستانی، در حاشیه گندمزارها و علفزارها، آن را با خود می‌بردم.

من آدمی نیستم که چیزی، به ویژه دفترچه‌ای را، که با آن مأنوس بودم، گم کنم. اما سال‌ها پیش، وقتی احساس نیاز کردم ربه فراغ آن رفتم، هرچه گشتم آن را نیافتم. با خود گفتم، شاید آن را در سایه درختان امروزی دامنه‌ای، در بعدازظهرهای رؤیایی روستایی دوردست، جا گذاشته‌ام؛ به یاد که، بسیار اتفاق افتاده، دلم را و حتی بخشی از هستی‌ام را و چه بسا اندیشه‌های دور و درازم را در همان دامنه‌ها، در سایه درختان و گاهی در هوای مه‌آلود صبح‌های کوچک یا جنگل‌های تَنک بالادست‌ها جا گذاشته‌ام و مغموم به پایین‌دست‌ها بازگشته‌ام تا شاید آنچه را از دست داده‌ام دوباره به دست آورم.

به زمان حال برمی‌گردم که اگر در آن سال‌ها درنگ کنم، بازگشتم به آسانی میسر نخواهد بود.

در این کتاب آنچه آمده یا به نکته‌ای انجامیده و یا در آن نکته‌ای نهفته است که با کمی تأمل به چشم می‌آید.

گاهی نکته تنها در جمله‌ای خلاصه می‌شود و گاهی در حکایتی، روایتی، نوشته‌ای کوتاه و... که پس از مطالعه، نکته نهفته در ذهن ظاهر می‌شود یا به زبان می‌آید.

درباره مفهوم نکته گفته‌اند: «... مسأله دقیق... مضمون باریک (شعر)... سخن لطیف... و نغز... سخن ملایم و دلپذیر...» (فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، ج ۴، ۱۳۵۵، ص ۴۸۰) و همین‌طور «سخن پندآموز و سودمند، جمله طنزآمیز یا دارای مضمون پندآمیز» (فرهنگ معاصر فارسی امروز، غلامحسین صدری افشار، نشرین حکیم، نشر حکیم، ۱۳۸۱، ص ۱۲۶۸) و «... مسئله دقیقی که با دقت نظر و امعان فکر بدست آید، جمله لطیفی که در شخص تأثیر کند و مایه انبساط شود...» (فرهنگ فارسی معاصر، حسن عمید، ۱۳۵۹، ص ۱۱۹۷).

از تعریف‌های فرهنگ نویسنده چنان استنباط می‌کنیم که نکته سخن لطیف و نغز هم هست و همین‌طور سخن ملایم و دلپذیر، پندآموز و سودمند و... گذشته از این‌ها می‌توانیم بگوییم، نکته‌ها تعلیمی، عبرت‌آموز، طعنه‌آمیز و... نیز هستند و حاکی از شوخ طبعی و حاضر جوابی نویسندگان آن‌ها. برای مثال، نکته‌هایی که به برخی از استادان دانشگاه نسبت می‌دهند، مبین حاضر جوابی آن‌ها بوده و نیز نشانه دانش آن‌ها و تأمل در باب گوناگون. حاضر جوابی اهالی برخی از شهرهای ایران نیز معرف شوخ طبعی و رفتار ظریف آن‌ها درباره مسائل گوناگون است.

جز این‌ها سرزندگی و نشاط و محیط زندگی شخص را هم باید در نظر داشت و گمان می‌کنم نداشتن غم نان را هم نباید نادیده بگیریم و همین‌طور داشتن غم نان را، اما قانع بودن. اگر نظامی عروضی می‌گوید: «... چنین کس فارغ دل باید تا بچنین نکته‌ها برسد.» از آن روست که به واقع اگر کسی مستعد بیان نکته‌هایی باشد، نباید مسائل و مشکلات پیش پا افتاده زندگی و معیشت ذهن او را به خود

مشغول کند، برای این‌که او دیگر مجالی نمی‌یابد تا به حوالی نکته‌های ناگفته راه یابد.

بر این عقیده‌ام که دو گروه نه‌تنها از زندگی (به مفهوم عام) بهره‌ای نمی‌برند، بلکه به یک معنی عمر به بطالت می‌گذارند: ۱) گروه متمول و ثروتمندوز؛ و ۲) گروه فقیر و یک‌لایق. تنها گروه میانی هستند که با آنچه دارند، که معمولاً چندان قابل ملاحظه نیست، از لحظه‌های زندگی، به قدر توان خود، لذت می‌برند.

دری. بدشی از آنچه در این کتاب آمده در مجله پایاب از شماره پانزدهم، زمستان ۱۳۸۵، تا شماره ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۹۱ (به استثنای شماره هفدهم - ویژه اکبر رادی، زمستان ۱۳۹۱) «کارگاه نکته‌سنجی» با نام مستعار «پویا کوهستانی» به چاپ رسیده است. همین‌طور مطلب شماره ۱۲۵ زیر عنوان «یک روز غبار» با امضای «الف. کراس» (دایمی سخن، شماره ۲۱، مهر ۱۳۶۷، ص ۶)، شماره ۱۲۶ زیر عنوان «صیقل رن» با امضای ک. اشکوری (دنیای سخن، شماره ۲۶، اردیبهشت ۱۳۶۸، ص ۸) و شماره ۱۲۷ زیر عنوان «آقای نیما سلام!»، (آدینه، شماره ۱۱۴، آذر ۱۳۷۵، ص ۱۱) چاپ شده است.

نخست در این اندیشه بودم که در مجله پایاب از نوشته‌های خودم استفاده کنم اما بعد به این نتیجه رسیدم که دیگران نکات هاگه‌هاوند سخنان دلنشین و زیبایی بر زبان آورده‌اند که مرا یارای برابری با آن‌ها نیست؛ زاین بهتر است از گفتار و نوشتار آن‌ها هم نقل کنم تا خوانندگان از آن سخنان، به چنان‌یش‌تر خوانده یا شنیده باشند، بی‌نصیب نمانند. به قول شاعر و نویسنده فرانسه: «پریس ویان:

هر نکته‌ای را

صدبار گفته‌اند

و بسیار بهتر از من.

(شعر فرانسه در سده بیستم، ترجمه و توضیح دکتر محمدتقی غیائی. انتشارات ناهید.

تهران: ۱۳۸۵. ص ۲۱۶)

به همین دلیل پس از چند شماره به تدریج از دیگران هم نکته‌هایی به

شیوه‌ای که در این کتاب آمده، بی‌دخلی و تصرف حتی در رسم خط، نقل کردم؛ با این تفاوت که در مجله پایاب نکته‌ها با علامت دایره و فاصله نکته‌ای از نکته دیگر به چاپ می‌رسید، اما در کتاب علامت دایره را حذف کرده‌ام و به جای عنوان برای هر مطلب یا نکته، که تاکنون متداول بوده، آن‌ها را به ترتیب شماره آورده‌ام، در دو بخش: بخش اول شامل نوشته‌های من و بخش دوم گزیده‌ای از نوشته‌ها و گفته‌های دیگران.

باید برخی بر این عقیده باشند که مطالب کتاب یک‌دست نیست و به اصطلاح «خش و سمین» در کنار هم آمده است که البته چنین است.

به رجال، به قدر بضاعت خود، از استادانم آموخته‌ام که «خرمهره» را با «دُر» برابر ندانم. از بیدار تبریزی یا «جمشید پورکریمی» مطلبی نقل کرده‌ام، هم به منظور این که خاطر خواننده بوده و هم نشانه آن که بین سخن فلان و بهمان «تفاوت ره از نجاست تا کجا».

از طرفی این هم کتابی مثل دیگر کتاب‌ها، که امیدوارم، به ویژه بخش اول آن، مصداق سخن ابوالفضل بیهن باشد که: «هیچ چیز نیست که به یک بار خواندن نیرزد».

داد ۱۳۹۲ - تهران

کاملات اشکوری